

## شاخصه‌های جامعه مطلوب در اندیشه امام سجاد علیه السلام

سعید مقدم / دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام saeid409@yahoo.com

پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۹

دریافت: ۹۴/۲/۲۵

### چکیده

دستیابی به جامعه مطلوب و آرمانی که انسان را به سعادت برساند، همواره اندیشمندان را به ترسیم آرمان‌شهرهایی واداشته است. در این میان، ترسیم جامعه‌ای مطلوب که منشأ و حیانی داشته و به دور از خیال و قابل تحقق باشد ضروری به نظر می‌رسد. روش این پژوهش، توصیفی - اسنادی است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. یکی از مؤثرترین روش‌ها برای ادراک کل جامعه این است که نهادهای اصلی آن و مناسبات موجود میان آنها را مورد توجه قرار دهیم. ارائه شاخصه‌های جامعه مطلوب در قالب نهادهای اجتماعی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام از اهداف این تحقیق به‌شمار می‌رود.

جامعه آرمانی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، جامعه‌ای است که در آن روابط انسانی در درون نهادهای اجتماعی براساس ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد و حرکت در مسیر بندگی خداوند مهم‌ترین ویژگی این جامعه مطلوب می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** شاخصه‌ها، جامعه آرمانی، نهاد، امام سجاد علیه السلام.

## مقدمه

مطلوب از چه شاخصه‌هایی بهره می‌برد؟ با توجه به اهمیت ترسیم جامعه آرمانی در جامعه اسلامی برای رفع کاستی‌های موجود و ترسیم یک الگوی اسلامی برای پیشرفت، ما در این تحقیق بر آنیم تا به بیان شاخصه‌های جامعه مطلوب از دیدگاه امام سجاد علیه السلام در پنج بخش بپردازیم.

### بخش اول: ویژگی‌های نهاد خانواده مطلوب

در این بخش، به معرفی ویژگی‌های خانواده آرمانی در اندیشه امام سجاد علیه السلام در دو محور ویژگی‌های ساختاری و کارکردی آن می‌پردازیم.

#### ۱. ویژگی‌های ساختاری نهاد خانواده

مجموعه پایگاه‌ها و نقش‌ها که خاصیت تقسیم اجتماعی کار را نشان می‌دهند، بستری می‌شوند تا بر اساس آن، روابط اجتماعی نسبتاً پایدار حاصل شود که آن را ساختار می‌گویند. ازدواج مرد و زن و پذیرفتن مجموعه‌ای از نقش‌ها که در برهه خاصی سیری نسبتاً پایدار از روابط متقابل اجتماعی را به وجود می‌آورند، ساختار خانواده را شکل می‌دهد.

بنابراین، به بررسی ویژگی‌های ساختاری این نهاد در دو محور ازدواج و پذیرش نقش‌ها می‌پردازیم:

#### ۱-۱. ویژگی‌های سنت ازدواج

ازدواج در جامعه آرمانی، ویژگی‌های متمایزی نسبت به ازدواج در سایر جوامع دارد که ما در این نوشتار به برخی از آنها از دیدگاه امام سجاد علیه السلام اشاره می‌کنیم:

۱-۱-۱. تقدس سنت ازدواج: از جمله عواملی که در سوق‌یابی به ازدواج، دوری گزیدن از جایگزین احتمالی، پذیرش

نظریات متفاوتی درباره ترسیم جامعه آرمانی در میان اندیشمندان ارائه شده است؛ گروهی سخن گفتن درباره جامعه آرمانی و ارائه طرح آن را نوعی خیال‌پردازی می‌دانند که نه فقط کار لغو و بیهوده‌ای است، بلکه مضر و زیانبخش هم هست و برخی هم می‌گویند جامعه آرمانی قابل تحقق و سنجش است برای ارزیابی جوامع نامطلوب کنونی (مصباح، ۱۳۷۸، ص ۴۱۲).

برخی از جوامع آرمانی که تاکنون پیشنهاد شده‌اند به دلیل داشتن مبانی سکولار، عدم توجه به سطوح مختلف گستره روابط انسان در جامعه آرمانی و به دلیل داشتن منشأ وهمی، انسان را در طول تاریخ دچار سردرگمی نموده‌اند. در این میان، ترسیم جامعه‌ای مطلوب که منشأ و حیانی داشته و قابل تحقق باشد و بتواند تمام نهادهای اصلی جامعه و مناسبات موجود میان آنها را تحت پوشش قرار دهد، ضروری به نظر می‌رسد. صحیفه سجادیه به عنوان یک منبع و حیانی که دارای هستی‌شناختی توحیدی (دعای ۴۷، فراز ۱۲) است، از وحی (دعای ۲، فراز ۳) و عقل (دعای ۵۱، فراز ۶) به عنوان دو منبع معرفتی استفاده می‌کند و ضمن معرفی انسان به عنوان خلیفه الهی (دعای ۴۷، فراز ۵۶) در عالم هستی، زمینه را برای طراحی جامعه آرمانی متفاوت فراهم می‌نماید.

سؤال اصلی ما در این نوشتار، پرسش از مهم‌ترین شاخصه‌های یک جامعه مطلوب در اندیشه امام سجاد علیه السلام است، و پرسش‌های زیر، سؤالات فرعی این تحقیق به‌شمار می‌روند:

نهاد خانواده مطلوب از چه شاخصه‌هایی برخوردار است؟ شاخصه‌های نهاد تعلیم و تربیت مطلوب کدامند؟ نهاد اقتصاد مطلوب از چه شاخصه‌هایی برخوردار است؟ شاخصه‌های نهاد سیاست مطلوب کدامند؟ و نهاد حقوق

شیوه‌هایی که از درصد اطمینان کمی برخوردارند و تثبیت آنها از راه مجاری جامعه‌پذیری و هدایت افراد به بهره‌گیری درست از آنها، احتمال دستیابی به انتخاب صحیح و مصونیت از گرفتار شدن به برخی پیامدهای ناگوار را تا حد قابل توجهی افزایش خواهد داد.

گذشته از اهمیتی که آموزه‌های دینی به اصل مشورت به طور عام و مشاوره ازدواج به طور خاص دارند، گفت‌وگو و ملاقات حضوری به منظور آگاهی یافتن از خصوصیات فیزیکی طرف مقابل را با شرایط خاصی تجویز و ترغیب نموده است (بستان، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳-۱۷۴).

امام سجاد علیه السلام فرمود: «هر که خواهد زن بگیرد، از موی او نیز بپرسد، همان‌طور که از زیبایی‌اش می‌پرسد؛ که موی یکی از دو قسمت زیبایی است» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۰). به کارگیری عقلانیت و پرهیز از غلبه احساسات در زمان انتخاب همسر، زمینه پشیمانی بعد از ازدواج را از بین خواهد برد.

۱-۳. همسان همسری: یکی دیگر از ویژگی‌های مهمی که در حوزه جامعه‌شناسی خانواده در مرحله ازدواج و تشکیل خانواده مورد توجه قرار گرفته، «همسان همسری» است. همسانی دو زوج در ویژگی‌های شخصیتی، موقعیت تحصیلی، موقعیت خانوادگی و شرایط سنی و فرهنگی بقا و استحکام زندگی مشترکشان را تا حد زیاد تضمین خواهد کرد و ناهمسان همسری میان دو همسر، سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۴۱).

در اسلام بر اصل همسان همسری به عنوان معیار همسرگزینی و ضامن انسجام خانواده، در ذیل عنوان «کفویت» تأکید شده است؛ همسانی ایمانی و اخلاقی همسران اگر به درستی رعایت شود، احتمال بروز آسیب‌های ناشی از ناهمسانی نژادی، قومی و طبقاتی زن

راغبانه لوازم آن و در نتیجه، حفظ و تثبیت خانواده، نقشی تعیین‌کننده دارد، تلقی ارزشی از پیوند زناشویی و به تعبیری، قداست داشتن آن است (بستان، ۱۳۸۵، ص ۱۷۲).

قداست ازدواج و خانواده، سد محکمی در برابر سوءاستفاده جنسی از زن به عنوان یک کالا یا ابزار فروش کالا و در واقع، مانع بردگی مدرن زن است. تلاش برای به رسمیت شناختن خانواده‌های هم‌جنس، زوج‌های هم‌خانه و نیز زمینه‌سازی نظری در جهت تقدس‌زدایی از خانواده، برنامه‌ریزی برای ترویج فرهنگ ابتذال و برهنگی زمینه‌سازی عملی برای تقدس‌زدایی از خانواده به‌شمار می‌روند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۱۲).

اسلام کوشیده است نگاه قدسی به ازدواج را در میان مردم گسترش دهد. نمونه زیر، رویکرد ارزشی و قدسی اسلام به خانواده را منعکس می‌سازد:

امام سجاد علیه السلام فرمود: «هرکس برای رضا و خشنودی خداوند ازدواج نماید و با خویشان خود صله رحم نماید، خداوند او را در قیامت مفتخر و سربلند می‌کند» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۶۶).

امام سجاد علیه السلام با تأکید بر نقش نیت در کار اخلاقی، تشکیل خانواده با نیت الهی را موجب سربلندی و رسیدن به سعادت در آخرت می‌داند و با اشاره به ارزش اخلاقی ازدواج، آن را پدیده‌ای قدسی می‌داند که می‌تواند موجب تکامل انسان باشد.

۱-۲. انتخاب آگاهانه: یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های ازدواج در نهاد خانواده که نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت خانواده دارد، انتخاب آگاهانه همسر است. بسیاری از تنش‌های خانوادگی از شتاب‌زدگی و عدم انجام مطالعات دقیق در مرحله گزینش، کم‌توجهی به اوصاف بایسته و در مواردی فریب‌کاری و اغفال آگاهانه نشئت می‌گیرد.

معرفی شیوه‌های مناسب و کارآمد و بی‌اعتبار ساختن

و شوهر به شدت کاهش می‌یابد.

زراره از امام محمدباقر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان می‌فرماید: در یکی از مسافرت‌هایی که پدرش، حضرت سجاد علیه السلام به مکه معظمه داشت، زنی را خواستگاری کرد؛ و بعد از آن، او را برای خود تزویج نمود. یکی از همراهان حضرت به محض اطلاع از این امر، بسیار ناراحت شد که چرا حضرت، زن بی‌بضاعتی را انتخاب نموده است؛ و شروع به تفحص و تحقیق کرد تا بداند که این زن کیست و از چه خانواده‌ای بوده است و چون به این نتیجه رسید که زن از خانواده‌ای گمنام و بی‌بضاعت است، به محضر مبارک امام سجاد علیه السلام آمد و گفت: یابن رسول‌الله! من فدای شما گردم، این چه کاری بود که کردی؟ و چرا با چنین زن بی‌بضاعتی، از چنین خانواده‌ای ازدواج نموده‌ای که هیچ شهرتی و ثروتی ندارند و حتی برای مردم نیز این امر، بسیار مسئله‌انگیز شده است.

امام سجاد علیه السلام فرمود: من گمان می‌کردم که تو شخصی خوش فکر و نیک‌سیرت هستی؛ خداوند متعال به وسیله دین مبین اسلام تمام این افکار - خرافاتی و بی‌محتوا - را محکوم و باطل گردانده، و این نوع سرزنش‌ها و خیالات را ناپسند و زشت شمرده است. آنچه در انتخاب همسر برای ازدواج و زندگی مهم است، ایمان و تقوا می‌باشد، و آنچه که امروز مردم به آن می‌اندیشند، افکار جاهلیت است و بی‌ارزش است (اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص ۴۵).

با این بیان امام سجاد علیه السلام، تمایز بین رویکرد دینی و رویکرد علوم اجتماعی به مسئله همسان همسری تا حدودی آشکار می‌شود. در حوزه جامعه‌شناسی خانواده، معمولاً تأثیر منفی انواع گوناگون ناهمسانی دو زوج به عنوان واقعیتی اجتماعی، مفروض گرفته شده و براین اساس، افراد به احراز بالاترین سطوح همسانی

توصیه و تشویق می‌شوند؛ اما در برابر این برخورد نسبتاً محافظه‌کارانه، اسلام به عنوان دینی الهی، رویکردی اصلاحی را به نمایش گذاشته و در جهت تغییر پندارهای فرهنگی نادرستی مانند لزوم همسانی نژادی، قومی و طبقاتی کوشیده است.

## ۱-۲. آگاهی و پذیرش نقش‌ها

از دیگر زمینه‌ها و عوامل بسیار مؤثر در وضعیت خانواده، ارائه آگاهی‌ها و آموزش‌های لازم به دختران و پسران برای احراز موقعیت همسری و در مرحله بعد، موقعیت پدر و مادری نسبت به فرزندان و ایفای نقش‌های متناسب با این موقعیت‌هاست. تردیدی نیست که موفقیت روابط خانوادگی تا حد زیاد به برخورداری هریک از دو زوج از برخی آگاهی‌های مرتبط با نقش‌های زن و شوهری یا پدر و مادری بستگی دارد.

۱-۲-۱. نقش عاطفی همسران: نقش عاطفی همسر به مجموعه وظایف و انتظاراتی الزامی یا ترجیحی اشاره دارد که برای فرد در بُعد ارضای نیازهای عاطفی همسرش، تعیین شده است.

یکی از نیرومندترین عوامل دوام و رشد خانواده، تقویت عواطف اعضای خانواده برای تأمین بهتر مصالح نهاد خانواده است. بنابراین، به حکم عقل، اگر زندگی خانوادگی، ضرورت داشته باشد، بهترین عامل برای استحکام و بقای آن، برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده، نسبت به یکدیگر است (مصباح، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۷۳-۷۴).

الف) نقش عاطفی زن: امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق، بر نقش عاطفی زن در نهاد خانواده مطلوب اشاره می‌کند: «و اما حق همسرت - که با پیوند زناشویی زیردست تو شده - این است که بدانی خدای عزوجل او را مایه آرامش و

الف) نقش جنسی زن: نقش جنسی زن در قبال شوهر که در منابع فقهی تحت عنوان حق تمکین بررسی می‌شود، به این معناست که زن باید امکان بهره‌گیری جنسی را برای شوهرش بدون هیچ‌گونه محدودیتی فراهم کند.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «تأمین نیازهای مرد و تمکین نسبت به خواسته‌های مرد، یکی از حقوق مرد بر زن بیان شده است. بدون شک، نیاز جنسی یکی از اساسی‌ترین نیازهای مرد محسوب می‌شود» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۲).

ب) نقش جنسی شوهر: امام سجاد علیه السلام یکی دیگر از نقش‌های مرد در خانواده را نقش جنسیتی می‌داند که ایفای مناسب این نقش تأثیر بسزایی در تحکیم نهاد خانواده دارد. امام سجاد علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «زن حق دارد که آرامشش در برآوردن لذتی که در انجامش ناگزیر است، فراهم شود» (همان).

امام سجاد علیه السلام اشباع غریزه جنسی را عامل مهم آرامش در نهاد خانواده معرفی می‌کند. این سخن حضرت بر توجه خاص به میل جنسی زن از سوی مرد اشاره دارد و آرامش‌گری زن را منوط به اشباع صحیح غریزه جنسی‌اش می‌داند که در صورت عدم ارضای این نیاز، نهاد خانواده دچار تنش خواهد شد. ارائه هنجارهای دینی در مورد نحوه اشباع غریزه جنسی نشان از اهمیت این غریزه و نقش کلیدی آن در تحکیم نهاد خانواده دارد.

## ۲. ویژگی‌های کارکردی نهاد خانواده

کارکرد در بیان کارکردگرایی، «اثری» است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارند. این آثار، نتیجه و دستاورد «ساختارها» هستند. در ذیل، به برخی از این ویژگی‌های کارکردی اشاره می‌کنیم:

راحتی تو ساخته است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۲).

ایفای نقش عاطفی زن موجب تقویت آرامش در نهاد خانواده می‌شود؛ زیرا زن به دلیل برخورداری از عواطف درونی می‌تواند بیشترین از خودگذشتگی را از خود نشان دهد و از بروز تنش در درون نهاد خانواده جلوگیری کند.

ب) نقش عاطفی شوهر: در اندیشه امام سجاد علیه السلام به گزاره‌هایی برمی‌خوریم که از آنها لزوم توجه شوهران به ارضای نیازهای عاطفی همسرانشان استفاده می‌شود.

گزاره‌هایی که در کلام امام سجاد علیه السلام بر نیکو سخن گفتن (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۱۷) و تعامل محترمانه (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۲۱)، رفیق و مدارا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۲) و عفو و گذشت نسبت به زن (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۲۱) اشاره دارند، بیانگر پاسخ‌گویی مناسب به نیازهای عاطفی زن در نهاد خانواده می‌باشند.

## ۲-۱. نقش جنسی همسران: نقش جنسی همسر به

مجموعه وظایف و انتظارات الزامی یا ترجیحی اشاره دارد که برای هر فرد در بعد نیازهای جنسی مقرر شده است.

غریزه جنسی کشش و جاذبه‌ای است که دو جنس مخالف را به هم نزدیک می‌کند و باعث تشکیل خانواده می‌شود. در نظام آفرینش با رفع نیاز جنسی، نیاز عاطفی انسان تأمین شده و در نتیجه، انسان می‌تواند به آرامش و سکونی که به زوجین وعده داده شده است، دست یابد. این واقعیت وقتی تحقق می‌یابد که زن و شوهر هر با آگاهی کامل نسبت به نقش جنسی خود و با میل و رغبت و آمادگی‌های کامل به آن بپردازند (رشیدپور، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸).

زن و مرد با توجه به تفاوت‌هایی که در آفرینش دارند، از طریق برآورده کردن نیازهای غریزی و روانی یکدیگر و در کنار هم قرار گرفتن، احساس آرامش می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۴۹).

## ۲-۱. مشروعیت بخشی به فرزندان

تأمین پدر شرعی برای فرزندان، یکی از ویژگی‌های کارکردی است که خانواده زن و شوهری ایفا می‌کند. در واقع، اهمیت این کارکرد به لحاظ نتایج و آثار اجتماعی آن است که هویت بخشی به افراد، انتقال منظم ارث و تداوم نظام خویشاوندی از جمله مهم ترین آنها به شمار می‌آیند. کودکان نامشروع مشکلات فراوانی برای جوامعی که روابط آزاد جنسی را ترویج کرده‌اند به وجود آورده است و افزایش قابل توجه میزان این فرزندان، موضوعی بود که توجه بسیاری از جامعه‌شناسان را به خود معطوف کرد.

افزایش شمار فرزندان نامشروع تا حدودی ناشی از تغییر نگرش‌ها نسبت به رابطه جنسی پیش از ازدواج و زندگی مشترک بدون ازدواج است. به نظر می‌رسد اتخاذ تدبیرهایی در جهت از بین بردن روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج تنها راه حل معقول و منطبق با ارزش‌های اسلامی برای مشکل فرزندان نامشروع است.

ابو حمزه می‌گوید: خدمت امام سجاد علیه السلام بودم که مردی خدمت آن حضرت آمد و گفت: ای ابو محمد! من گرفتار زنان هستم، روزی زنا می‌کنم و روزی روزه می‌گیرم؛ آیا این روزه كفاره گناه آن روز می‌گردد؟

امام علیه السلام فرمود: محبوب ترین کارها نزد خداوند آن است که مردم از وی اطاعت کنند و معصیت ننمایند، زنا نکنند و روزه هم نگیرند. امام باقر در آنجا حاضر بود و دستش را گرفت و فرمود: کار دوزخیان را می‌کنی و امیدوار هستی وارد بهشت گردی؟ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۴۱).

فرزندانی که خارج از چارچوب ازدواج متولد می‌شوند، به دلیل عدم برخوردارگی از شبکه خویشاوندی و تربیت صحیح، موجب افزایش ناهنجاری و سلب امنیت روانی جامعه خواهند شد.

## ۲-۲. جلوگیری از انحرافات اجتماعی

کنترل اجتماعی یکی از شاخصه‌های کارکردی مهم نهاد خانواده مطلوب است که از راه نظارت خانواده بر رفتار اعضا تحقق می‌یابد. البته با توجه به رواج بینش‌های فردگرایانه و آزادی خواهانه در جوامع غربی، از نقش خانواده در کنترل مستقیم رفتار همسران به شدت کاسته شده است.

خانواده، گذشته از کنترل مستقیم هریک از دو زوج بر رفتارهای جنسی طرف مقابل، به طور غیرمستقیم و از راه ایجاد فضایی همراه با آرامش و امنیت، جامعه‌پذیری و ارضای نیازهای جنسی و عاطفی همسران، آنان را از گرایش به کجروی بازمی‌دارد (بستان، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

کنترل اجتماعی در اندیشه امام سجاد علیه السلام نیز به عنوان یکی از شاخصه‌های کارکردی مهم نهاد خانواده مطلوب مورد توجه قرار گرفته است:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه یکی از دامادهای امام سجاد علیه السلام داخل منزل وی می‌گردید و بر حضرتش وارد می‌شد، امام سجاد عبای خود را از دوش برمی‌گرفت و برای او پهن می‌نمود تا روی آن بنشیند و سپس به داماد خود می‌فرمود: خوش آمدی، که تو هم تأمین‌کننده هزینه‌های خانواده خود و هم، نگه‌دارنده ناموس خود از شر هواهای نفسانی و اجانب هستی» (رنجبر، ۱۳۸۰، ص ۲۲۵، به نقل از: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۸).

این روایت، به نقش کنترلی مرد بر رفتار زن و به ویژه رفتار جنسی مرد در کنترل زن اشاره دارد.

حضرت همچنین در رساله حقوق به نقش کنترلی زن اشاره و از وی در درون خانواده با عنوان «نگهدار همسر» یاد می‌کند؛ زن می‌تواند با پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی و جنسی مرد، او را از گرایش به انحرافات جنسی بازدارد:

علم از مهم‌ترین هنجارهای این نهاد است که به بهترین شکل در نهاد تعلیم و تربیت مطلوب دینی مورد تأکید قرار گرفته است. رعایت این هنجار می‌تواند تأثیر بسیار مثبتی در ایجاد رقابت سالم میان دانشمندان در اختصاص پاداش به خود و کنش متقابل میان آنان داشته باشد.

«آنکه علمی را پنهان دارد (به دیگران نیاموزد) یا بر آموختن آن چیزی بگیرد، هرگز او را سود ندهد» (اصفهانی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۱۳۵).

توزیع علم نیز یکی دیگر از هنجارهای نهاد علم است که در این کلام حضرت بدان اشاره شده است. علم اگر پس از تولید وارد جهان اجتماعی نشود و در کرسی‌های نظریه‌پردازی مورد نقد و بررسی واقع نشود، نمی‌تواند به رشد علمی فرد و جامعه یاری رساند.

## ۲. تربیت عقلانی

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آدمی قدرت تفکر و تعقل اوست که به نام «عقل» خوانده شده است. در دیدگاه اسلامی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای صعود به مراحل عالی انسانی، پرورش و به‌کارگیری صحیح این توانایی است. به همین جهت، در نظام تربیتی اسلام، سعی بر آن است که انسان به اندیشیدن و تدبیر وادار شود. از همین رو، پرورش این نیرو در انسان، از ویژگی‌های مهم نهاد تعلیم و تربیت در اندیشه امام سجاد علیه السلام می‌باشد.

اگر در نظام تربیتی، عقل پرورش نیابد و به آن توجهی نشود، ریشه دین‌داری متزلزل و خرافه‌گرایی در اشکال مختلف فراگیر می‌شود. انسان با استفاده از این ابزار در شناخت خدا و صفات او و کسب علوم و معارف و همچنین آراستن خویش به فضایل اخلاقی، بهره می‌برد. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «خدایا به جای آرزوی بلند و بدگمانی و حسد که شیطان در دلم می‌افکند، یاد عظمت

«و اما حق همسرت - که با پیوند زناشویی زیردست تو شده - این است که بدانی خدای عزوجل او را مایه آرامش و راحتی، و همدم و نگهدار تو ساخته» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۲).

## بخش دوم: ویژگی‌های نهاد تعلیم و تربیت مطلوب

در این قسمت، به برخی از ویژگی‌های نهاد تعلیم و تربیت در اندیشه امام سجاد علیه السلام اشاره می‌کنیم:

### ۱. تربیت علمی

یکی از شاخصه‌های نهاد تعلیم و تربیت در اندیشه امام سجاد علیه السلام تأکید بر تربیت علمی افراد جامعه است. نهاد تعلیم و تربیت مطلوب توانسته است با ارائه هنجارهای مترقی، رشد علمی افراد جامعه را تضمین نموده و جایگاه بی‌بدیلی در میان سایر مکاتب تعلیم و تربیت پیدا نماید.

امام سجاد علیه السلام به منظور گرامیداشت مقام دانشمندان، در جلسات درس فقها و علمای شهر مدینه شرکت و از این راه، دیگران را به دانش‌اندوزی ترغیب و تشویق می‌کردند:

روزی نافع بن جبیر به امام سجاد علیه السلام گفت: تو آقای روزگار خود و فاضل‌ترین آنانی، چرا نزد این بنده (زید بن اسلم) می‌نشینی؟ حضرت فرمودند: «علم هر کجا باشد باید آن را دنبال کرد» (رنجبر، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳، به نقل از: اصفهانی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۳۸).

گزاره‌های فراوانی در اندیشه امام سجاد علیه السلام به جایگاه مهم نهاد علم در جامعه آرمانی اشاره دارند:

امام سجاد علیه السلام فرمود: «چنانچه مردم منافع و فضایل تحصیل علوم را می‌دانستند، هر آینه آن را تحصیل می‌کردند، گرچه با ریخته شدن خون‌ها و یا فرو رفتن زیر آب‌ها در گرداب‌های خطرناک باشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۵).  
تقویت پایگاه اجتماعی و تشویق تولیدکنندگان نهاد

شناخت خدا آغاز می‌شود و با ایمان به او گسترش می‌یابد. یکی از ویژگی‌های تربیتی در صحیفه سجادیه «معرفت خدا» است. بدون شناخت خداوند تقرب به او امکان‌پذیر نیست. آراستگی اخلاقی، کسب ایمان و تقوا، و توکل به او همه در گرو شناخت هر چه کامل‌تر اوست. از این رو، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تربیت معنوی و اخلاقی در صحیفه سجادیه تقویت هرچه بیشتر شناخت خداوند است: «خدایی که چشم بینندگان از دیدن او ناتوان و اندیشه وصف‌کنندگان از توصیف او در مانده می‌باشد. خلاق را به دست قدرت خود به گونه‌ای شایسته آفرید و آنان را بر اساس خواست خود صورت بخشید» (دعای ۱، فراز ۲-۳).

۲. ایمان کامل: یکی دیگر از ویژگی‌های تربیتی در مورد رابطه انسان با خدا که در صحیفه سجادیه مطرح می‌شود، «ایمان» است. از دیدگاه اسلام، کاری ارزشمند است که به وسیله نیت با خداوند مرتبط شود و چنین نیتی که رابطه با خدا را تحقق بخشد از کسانی متمشی خواهد شد که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشند؛ زیرا تا کسی ایمان به خدا نداشته باشد نمی‌تواند کاری را به خاطر خدا انجام دهد و تا ایمان به قیامت نداشته باشد نمی‌تواند برای امید به پاداش خدا یا ترس از عذاب وی کاری انجام دهد. بنابراین، در جامعه مطلوب، منشأ ارزش در هر کاری ایمان به خدا و روز جزاست (مصباح، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۷). «خداوندا، ایمانم را به کامل‌ترین ایمان برسان، و یقینم را برترین یقین قرار ده، و نیتم را به نیکوترین نیت‌ها ختم فرما و کردارم را به نیکوترین کردارها پایان بخش. خداوندا، به حق لطف، نیت مرا افزون فرما، یقینم را بدانچه نزد توست تصحیح فرما، و با قدرت خود آنچه را از من تباه گشته سامان بخش» (دعای ۲۰، فراز ۱-۲).

در نهاد تعلیم و تربیت مطلوب، افزایش مرتبه یقین

خودت و اندیشه نمودن در توانمندیت و چاره‌سازی بر دشمنت قراریده» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۶، دعای ۲۰، فراز ۱۳). از آنجا که منشأ بسیاری از رذایل اخلاقی و کج‌روی‌ها و پیروی از شیطان، عدم به کارگیری صحیح قوه تفکر است، حضرت در این فراز، برای گرفتار نشدن در دام شیطان و پیروی از وسوسه‌های او، تفکر در قدرت خدا را استمداد می‌کند.

آن حضرت همچنین می‌فرماید: «کسی که عقل وی کامل‌تر از سایر قوایش نباشد، هلاک و نابودی‌اش آسان‌ترین چیز در زندگی وی می‌باشد» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۹۴).

بنابراین، نهاد تعلیم و تربیت به منظور بهره‌برداری از مزایای این نیرو در زندگی، باید به پرورش این قوه اهتمام بورزد؛ زیرا این قوه نقش بسیار مهمی در هدایت سایر قوای انسان و رشد جامعه دارد.

### ۳. تربیت اخلاقی

بی‌تردید، تأکید بر تربیت اخلاقی و معنوی انسان از اولویت‌های نهاد تعلیم و تربیت در اندیشه امام سجاد علیه السلام محسوب می‌شود. توجه به پرورش اخلاقی انسان با در نظر گرفتن همه روابطی که وی با دیگران برقرار می‌کند، از مهم‌ترین ویژگی‌های این نهاد به‌شمار می‌رود. از این رو، این ویژگی بر سایر نهادها نیز سایه می‌افکند. بر این اساس، ما در این قسمت به بیان ویژگی‌های تربیت اخلاقی بر اساس روابط انسان «خليفة الله» با خدا، خود و طبیعت می‌پردازیم:

#### الف. ویژگی‌های تربیت اخلاقی در خصوص ارتباط

##### انسان با خدا

۱. معرفت خدا: ویژگی تربیت اخلاقی و معنوی صحیفه سجادیه در خصوص ارتباط انسان با خدا، از معرفت و



حقیقی انسان‌ها و دعوت از آنها به معرفت نفس، آنها را از خودبیگانگی بازمی‌دارد.

۲. **پرورش حس فضیلت‌جویی:** پرورش فضیلت‌جویی، که به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های نهاد تعلیم و تربیت در خصوص گرایش‌های مختص انسان در صحیفه سجادیه معرفی شده است، به معنای هدایت انسان در شناختن فضیلت‌ها و رذیلت‌ها و تقویت گرایش به فضایل و زدودن موانع این گرایش است.

اصل گرایش به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی امری مسلم است، ولی گاه غبار غفلت بر دل آدمی می‌نشیند و در شرایط مبهم و پیچیده زندگی، مصادق فضایل و رذایل بر انسان مشتبه می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۴).

**پرورش فضیلت‌جویی در دو مرحله:** نهاد تعلیم و تربیت مطلوب در دو مرحله، حس فضیلت‌جویی را در انسان‌ها پرورش می‌دهد:

۱) زدودن موانع رشد فضیلت‌جویی: در مرحله نخست با زدودن موانع رشد آن به تقویت گرایش فطری فضیلت‌جویی می‌پردازد. امام سجاد علیه السلام با دوری جستن از موانع آنها، راه تقویت گرایش فضیلت‌جویی را می‌آموزد و می‌فرماید: «و عزیزم ساز، و به کبر مرا امتحان مکن، و بنده خود ساز، و پرستم را با عجب تباه مساز، و خیر مردم را بر دستم جاری فرما و این احسان را با منت باطل مکن، و خلق والا عظیم کن و از فخر فروشی بازم دار» (دعای ۲۰، فراز ۳).

۲) معرفی مصادیق فضایل و رذایل: بسیاری از انسان‌ها با وجود داشتن این گرایش، در تعیین مصادق فضایل و رذایل اخلاقی دچار اشتباه و خطا می‌شوند. امام سجاد علیه السلام برای مصون ماندن انسان‌ها از خطا در اشتباه، آنها را با مصادیق رذایل و فضایل اخلاقی آشنا می‌کند تا در پیمودن راه سعادت گمراه نشوند: «و زیور پارسایان [بر

موجب قوی تر شدن ایمان و در نتیجه، التزام وسیع‌تر و عمیق‌تر افراد جامعه به ارزش‌ها و هنجارهای دینی خواهد شد.

## ب. ویژگی‌های تربیت اخلاقی در خصوص ارتباط انسان با خود

ویژگی‌های تربیتی صحیفه سجادیه در خصوص ارتباط انسان با خود در دو بُعد گرایش‌های مختص انسان (از قبیل: خودشناسی و فضیلت‌خواهی، و گرایش‌های مشترک بین انسان و حیوان (از قبیل: خوردن و آشامیدن و غرایز جنسی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ویژگی‌های تربیت اخلاقی در خصوص گرایش‌های مختص انسان:

۱. **خودشناسی:** یکی از ویژگی‌های تربیت اخلاقی در خصوص گرایش‌های مختص انسان در صحیفه سجادیه «معرفت نفس» است. همه تلاش‌های انسانی، اعم از علمی و عملی، برای تأمین لذایذ و منافع و مصالح «انسان» انجام می‌گیرد. پس شناختن خود انسان و آغاز و انجام او، مقدم بر همه مسائل است، بلکه بدون شناختن حقیقت انسان و ارزش واقعی او، دیگر بحث‌ها و تلاش‌ها بیهوده و بی‌پایه خواهد بود (مصباح، ۱۳۸۶، ص ۹).

بدون شناخت انسان و در نظر گرفتن رابطه او با خدا، هویت واقعی انسان در پرده ابهام فرو می‌رود. به همین جهت، امام سجاد علیه السلام نیز خودشناسی حقیقی را در ارتباط انسان با خدا در نظر می‌گیرد و اطاعت از خداوند را حق نفس می‌داند که در صورت غفلت، انسان دچار از خودبیگانگی می‌شود.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «اما حق نفس خودت بر تو این است که او را به تمامی به فرمان‌برداری خدا گماری» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۵۶).

به همین جهت، نهاد تعلیم و تربیت، با معرفی هویت

قامتم] بپوشان در فروتنی، و نیک‌سیرتی و وقار و خوش‌خویی، و پیشی گرفتن در نیکی، و برگزیدن احسان، و واگذاردن نکوهش و نیکی به آنکه سزاوار نیکی نیست، و حق‌گویی گرچه گران آید، و اندک شمردن گفتار و کردار نیک خود، گرچه بسیار باشد، و فراوان شمردن گفتار و کردار بد خویش گرچه اندک باشد» (دعای ۲۰، فراز ۱۰).

اقتصاد، رهاورد بزرگ حکومت صالحان و متقین معرفی می‌کند و از خداوند بسط و گسترش عدل را تقاضا می‌نماید: «و مرا به زیور شایستگان آراسته ساز، و لباس پارسیان [بر قامتم] بپوشان در گسترش عدل» (دعای ۲۰، فراز ۱۰).

### عناصر عدالت

باید توجه داشت تمامی نظام‌های اقتصادی عدالت را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های خود می‌دانند، ولی در تفسیر آن با یکدیگر اختلاف اساسی دارند. از این‌رو، آنچه اهمیت دارد بیان عناصر دخیل در عدالت از دیدگاه یک نظام اقتصادی است. اسلام عدالت اقتصادی را قائم به دو عنصر می‌داند: ۱. رفاه عمومی؛ ۲. تعدیل اقتصادی (صدر، ۱۴۰۲ق، ص ۳۰۳).

۱-۱. رفاه عمومی: مراد از رفاه عمومی این است که وضعیت اقتصادی جامعه اسلامی به نحوی باشد که تمام افراد جامعه از امکانات زندگی در تمام زمینه‌ها در حد متوسط برخوردار باشند. این مفهوم از «رفاه عمومی» مستلزم «رفع فقر» از جامعه نیز هست؛ بنابراین، نیازی به طرح این امر به عنوان هدفی مستقل از اهداف اقتصادی، یا عامل جداگانه‌ای از عوامل عدالت اقتصادی نمی‌باشد (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۵۹).

نظام اقتصادی اسلام تنها درصدد رفع نیازهای ضروری نیست و با تأمین آنها کار خود را تمام نمی‌داند؛ بلکه درصدد تأمین رفاه بشر است (اخترشهر، ۱۳۸۶، ص ۲۳۲) تا از این طریق، فرصت بیشتری برای فراگرفتن معارف الهی و رسیدگی به تهذیب خویش و تربیت دیگران و عبادت خدا پدید آورد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۲۰۹).

در اندیشه دینی، عدم تأمین رفاه نسبی، کارکردهای

### بخش سوم: ویژگی‌های نهاد اقتصاد مطلوب

در این بخش نیز به ارائه مهم‌ترین شاخصه‌های نهاد اقتصاد مطلوب در اندیشه امام سجاد علیه السلام می‌پردازیم:

#### ۱. عدالت اقتصادی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نهاد اقتصاد آرمانی، برقراری عدالت در حوزه اقتصادی است. تأکید نظام اسلامی بر عدل یکی از مشخصه‌های این نظام در مقایسه با نظام‌های دیگر است و علت وجود قوانین حاکم بر رفتار اقتصادی افراد و نهادهای اقتصادی اسلام را می‌توان با توجه به مفهوم عدل درک نمود. اینکه عدل موجب رضای خدا، و بی‌عدالتی موجب ناخشنودی ذات باری تعالی است، باعث می‌گردد که رفتار مسلمان جهت، مفهوم و تأثیر پیدا کند (میرآخور و دیگران، بی‌تا، ص ۶۱).

عدالت فردی به تنظیم ساختار انگیزشی می‌پردازد و بدون در نظر گرفتن عوامل خارجی از مسیر توجه به ابعاد معنوی و اخروی انسان، در پی تحقق عدالت اقتصادی است. این ویژگی که منشأ بسیاری از ارزش‌های اخلاقی در اسلام است، انسان را از ثروت‌اندوزی و تکاثر بازمی‌دارد و به بخشش و انفاق فرامی‌خواند.

امام سجاد علیه السلام به عنوان پیشوای جامعه دینی، توجه به عدل را در تمام حوزه‌های زندگی بشر، از جمله در حوزه

بر هم بریزند و برای نظام اقتصادی مشکلاتی به وجود آورند. امکان از دست دادن شغل و یا از بین رفتن مالکیت بر ابزار تولید و یا حتی قدرت‌های مبتنی بر تملک عوامل تولید همگی می‌توانند از عوامل به وجودآورنده این ناامنی در زندگانی انسان باشند (سبحانی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۶).

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «بار خدایا، گشایش در رزق و امنیت در وطن و نور چشم را در قوم و خویشان و ثروت و فرزند عطا فرما» (مشکینی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۸).

امام علیه السلام در این فراز از دعا، از خداوند، امنیت را استمداد می‌کند و امنیت با اطلاقی که دارد، شامل امنیت اقتصادی نیز می‌شود. بنابراین، وجود امنیت در جامعه از اساسی‌ترین شاخصه‌های جامعه مطلوب در اندیشه دینی محسوب می‌شود.

### ۳. پیشرفت اقتصادی

پیشرفت اقتصادی یکی دیگر از ویژگی‌های نهاد اقتصاد در جامعه آرمانی به‌شمار می‌رود. پیشرفت اقتصادی از لوازم تحقق عدالت اقتصادی و ایجاد رفاه عمومی محسوب می‌شود. همچنین اقتدار مالی حکومت اسلامی نیازمند از میان بردن فاصله اقتصادی بین کشورهای اسلامی و سایر کشورهاست که این امر نیز به نوبه خود آهنگ سریعی از پیشرفت اقتصادی را می‌طلبد.

از نظر اسلام، پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی، ابزاری برای رشد و تعالی اخلاق و کمالات انسانی و آزادی از تعلقات نفسانی می‌باشد. در تفکر اسلامی، انگیزه سودطلبی و حداکثر نمودن مطلوبیت‌ها و لذا لذت‌های مادی نمی‌تواند هدف اصلی و نهایی تلاش و کوشش انسان قلمداد گردد؛ بلکه اسلام با پذیرش کسب سود و لذت‌های مادی از راه‌های مشروع، انسان را محور رشد مادی و معنوی قرار می‌دهد (هادوی‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳).

منفی فراوانی برای یک جامعه دینی در پی خواهد داشت: «خدایا، مرا از رنج تحصیل روزی بی‌نیاز کن، و روزی بی‌حساب عطایم نما، تا در پی روزی جستن از بندگی تو باز نمانم، و سنگینی عواقب روزی را بر دوش نکشم» (دعای ۲۰، فراز ۲۴).

دوری از معنویت یکی از کارکردهای منفی عدم رفاه در زندگی به‌شمار می‌رود. انسانی که برای تأمین نیازهای مادی خود و خانواده‌اش، به طور پیوسته دنبال تأمین نیازهای مادی می‌رود فرصت چندانی برای عبادت پیدا نمی‌کند (لیاقت‌دار، ۱۳۸۶، ص ۲۳۸).

۱-۲. **تعدیل ثروت:** اصل عدم تمرکز ثروت در اقتصاد اسلامی از اصول بنیادین است. مقصود از آن این است که در جامعه اسلامی نباید تفاوت فاحشی بین افراد از حیث برخورداری از مواهب مادی وجود داشته باشد، هرچند اسلام تفاوت استعدادهای انسان‌ها را در دستیابی به نعمت‌های مادی انکار نمی‌کند (هادوی‌تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۷۱).

### ۲. امنیت اقتصادی

یکی دیگر از ویژگی‌های نهاد اقتصاد در جامعه مطلوب، برخورداری از امنیت اقتصادی است. وقتی امنیت از ابعاد کلان مورد توجه قرار می‌گیرد و سخن از امنیت یک کشور به میان می‌آید، دارای ابعاد فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی خاص خود است. امنیت اقتصادی، یعنی: مالی که در چارچوب قوانین مشروع به تملک فرد درآمده، از خطر تعدی افراد دیگر یا دولت مصون باشد (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵).

یکی از مشکلات دغدغه‌آور بشر، مواجه شدن وی با بی‌ثباتی‌های اقتصادی است. نوسانات اقتصادی و مشکلاتی از قبیل تورم و بیکاری و... از مواردی هستند که می‌توانند امنیت خاطر مصرف‌کنندگان و یا تولیدکنندگان را

اسلامی است و بدون آن، تحقق اقتدار اقتصادی متصور نیست. وابستگی اقتصادی باعث احساس حقارت و خودکم‌بینی، از دست رفتن فرهنگ خودی و سلطه همه‌جانبه بیگانگان در همه زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خواهد شد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۲۰۰-۲۰۱).

مقصود از استقلال این است که جامعه بتواند نیازمندی‌های خود را در حد قابل قبولی از رفاه تولید کند و در اداره امور اقتصادی نیازمند و متکی به دیگران نباشد؛ هرچند ترجیح دهد، برخی از نیازهای اقتصادی خود را، به دلیل هزینه‌های پایین‌تر، یا امر دیگری، از خارج کشور تأمین کند (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۸۳).

امام سجاد علیه السلام از وابستگی به هم‌نوعان، به خدا پناه می‌برد و استقلال داشتن و قطع وابستگی در همه عرصه‌ها را به پیروان خود می‌آموزد: «به تو پناه می‌آورم از سرزنش دشمنان، نیازمندی به هم‌نوعان» (دعای ۸، فراز ۸).

نیازمندی و وابستگی اقتصادی به دیگر افراد و جوامع، باعث محرومیت جامعه وابسته از اعمال کلیه مظاهر و نمادهای حاکمیت، در سطح داخل و بین‌المللی خواهد شد. اقتصاد وابسته، امنیت اقتصادی و سیاسی جامعه را نیز در معرض تهدید قرار خواهد داد و مانع دستیابی به یک پیشرفت پایدار می‌شود.

#### بخش چهارم: ویژگی‌های نهاد سیاست مطلوب

نهاد سیاست در اندیشه امام سجاد علیه السلام از شاخصه‌های خاصی بهره می‌برد که موجب کارآمدی و ثبات این نهاد در جامعه آرمانی می‌شود:

#### ۱. مشروعیت الهی

اندیشمندان نظریه‌های گوناگونی در راستای تبیین ملاک

امام سجاد علیه السلام با عبارت‌ها مختلفی تلاش برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی را یادآوری و آموزش می‌دهند و پیروان خود را به کار انداختن سرمایه و فعالیت اقتصادی را تشویق می‌کند: «سوددهی ثروت [برای جامعه] کمال مردانگی است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۸). به کار انداختن سرمایه و جلوگیری از راکد ماندن و اسراف آن، موجب سودآوری ثروت و در نتیجه، پیشرفت اقتصادی جامعه مطلوب خواهد شد.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «نه دهم روزی در بازرگانی است و یک جزء باقی مانده در سایبای است؛ یعنی گوسفند» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۴۶).

برقراری روابط تجاری و اقتصادی با سایر جوامع یکی از مهم‌ترین روش‌های تسریع در رشد اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود.

امام سجاد علیه السلام در فرازی دیگر، خطاب به خداوند عرضه می‌دارد: «تجارتم را پرسود، و بازگشتم را بی‌زیان قرار بده» (دعای ۴۷، فراز ۱۲۶).

امام علیه السلام در این فراز از دعا، از خداوند تجارت سودآور را مسئلت می‌کند. بخش تجارت نقشی اساسی در تحقق پیشرفت اقتصادی بر عهده دارد که می‌تواند به آن شتاب بخشد و یا محدودش کند. بازرگانی و تجارت، نیازها و خواسته‌های جامعه را تأمین می‌کند و موجب ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری می‌شود. توسعه تجارت همواره مورد تأکید و ترغیب آموزه‌های دینی قرار گرفته است. این تشویق‌ها را می‌توان نشانه پذیرش پیشرفت اقتصادی به عنوان یکی از شاخصه‌های جامعه مطلوب دانست.

#### ۴. استقلال اقتصادی

یکی دیگر از ویژگی‌های نهاد اقتصاد مطلوب، عدم وابستگی اقتصادی است. استقلال، شرط لازم قدرت نظام

حکومت طاغوت می‌داند که انسان را از مسیر بندگی خدا خارج و در مسیر بندگی شیطان قرار می‌دهد: ثمالی از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: سه دسته هستند که خدا در قیامت با آنها سخن نمی‌گوید و به ایشان توجهی ندارد و گرفتار عذابی دردناکند: (۱) هر کس که منکر امام به حق باشد؛ (۲) یا ادعای امامت بناحق کند؛ (۳) یا گمان کند که فلانی و فلانی در اسلام بهره و نصیبی داشته‌اند (همان، ص ۱۱۱).

## ۲. مشارکت همگانی برای تحقق بخشیدن به

### حاکمیت الهی

مشارکت همگانی برای تحقق بخشیدن به حاکمیت الهی در جامعه، یکی دیگر از ویژگی‌های نهاد سیاست مطلوب به‌شمار می‌رود. مشارکت سیاسی، شرکت فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی است. مشارکت سیاسی را می‌توان «فعالیت‌های داوطلبانه که به وسیله اعضای یک جامعه در گزینش حکومت‌گران، و به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در شکل‌گیری سیاست عمومی سهم می‌شوند» تعریف کرد.

مشارکت سیاسی کم و بیش در همه جوامع دیده می‌شود، اما شکل و دامنه آن در همه جوامع یکسان نیست. همه افراد لزوماً به فعالیت‌های سیاسی نمی‌پردازند. مشارکت سیاسی شهروندان نابرابر است و تأثیر افراد و گروه‌ها بر فرایند واقعی تصمیم‌گیری سیاسی بسیار متفاوت است. بر اساس نظریه نخبگان، مشارکت سیاسی اساساً محدود به نخبگان است. توده مردم عمدتاً منفعل و بازیچه دست نخبگان هستند (صبوری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹).

در یک نظام مشارکتی که امکان دسترسی به قدرت در چارچوب قانون برای همه گروه‌ها وجود داشته باشد، تعارض با نظام و عملیات براندازی کاهش می‌یابد و

مشروعیت ارائه کرده‌اند؛ مانند نظریه «قرارداد اجتماعی»، که مشروعیت حکومت را مبتنی بر خواست مردم می‌داند، یا نظریه «عدالت و ارزش‌های اخلاقی» که مشروعیت حکومت را در گرو تلاش حکومت برای برقراری عدالت و ارزش‌های اخلاقی می‌داند و یا نظریه «توارث و سنت» که به ارث رسیدن حکومت از جانب پدر را منشأ مشروعیت قلمداد می‌کند.

در اندیشه دینی، عقل حکم می‌کند که همه عالم ملک خداست و همه انسان‌ها بنده او هستند و همه به طور یکسان از حقوق بندگی برخوردارند و از این حیث، امتیازی وجود ندارد. حال چگونه و بر اساس چه معیاری کسی قدرت می‌یابد که به نوعی بر دیگران اعمال حکومت کند؟

در بینش اسلامی، ملاک مشروعیت حکومت حاکمان، اذن خداوند است و فقط خداوند می‌تواند اجازه دهد که دیگران در امور افراد تصرف کنند. بنابراین، تشکیل حکومت و تنظیم قوانین و ایجاد نظم هم که مستلزم تصرف در امور انسان‌ها و محدود ساختن آزادی افراد است، تنها از سوی خداوند که صاحب اختیار هستی و انسان‌هاست، روا می‌باشد.

در نهاد سیاسی مطلوب، حاکم جامعه اسلامی به دلیل داشتن ویژگی‌های خاصی همچون عصمت، باید از جانب خدا برای هدایت انسان‌ها انتخاب و معرفی شود. امام سجاد علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «امام از ما، حتماً معصوم است و عصمت چیزی نیست که در ظاهر خلقت معلوم باشد تا با خلقت شناخته شود. به این جهت، امام را جز از راه نص نمی‌توان تعیین کرد» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۲۵، ص ۱۹۴).

نهاد سیاست در اندیشه دینی، پذیرش ولایت غیرالهی را قرار گرفتن انسان در مسیر گمراهی و حکومت آنان را

مهم نهاد سیاست مطلوب در اندیشه امام سجاد علیه السلام محسوب می‌شود. ایجاد جامعه آرمانی و حیات طیبه معنوی وابسته به برقراری امنیت است. امنیت یکی از ابزارهای ضروری آرامش یک جامعه و سدّ محکمی در برابر اخلال در نظم و تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی به‌شمار می‌رود.

ریشه لغوی امنیت، از ثلاثی مجرد «امن» می‌باشد. «امن: طمأنينة النفس و زوال الخوف» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ص ۹۰). این واژه که به معنای اطمینان و آرامش در برابر خوف می‌باشد، شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت می‌شود؛ از یک سو، اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر، فقدان خوف، دلهره و نگرانی. امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش لازم توسط حاکمیت یک جامعه برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدهای خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت جهت تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آنها می‌باشد (کاظمی، ۱۳۸۱، ص ۲۸).

آموزه‌های دفاعی و امنیتی بیان‌شده در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه، به تأمین امنیت خارجی اشاره دارد. ضمن اینکه دعای چهل و نهم هم که برای دفع کید و مکر دشمنان وارد شده است، بیانگر اهمیت تأمین امنیت جامعه در برابر دشمنان می‌باشد: «تلخی هراس از ستمگران را به شیرینی پناه و ایمنی مبدل ساز» (دعای ۲۰، فراز ۷).

ویژگی حکومت دینی این است که امنیت را برای شهروندان به طور کامل برقرار می‌کند و تلخی هراس و ناامنی ناشی از بی‌عدالتی و ظلم را از بین می‌برد. حکومتی که نتواند امنیت افراد جامعه را تأمین کند، با حکومت دینی مطلوب از دیدگاه امام سجاد علیه السلام فاصله زیادی دارد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین عوامل ناامنی در جامعه، حکومت افراد مستبد و خودکامه است.

تهدید جدی برای حاکمیت به وجود نخواهد آمد. مردم در حکومت اسلامی نقش اساسی در تحقق عینی آن دارند و حاکم اسلامی بدون پذیرش مردم و مشارکت آنان، فاقد قدرت اجرایی خواهد بود و نمی‌تواند احکام اسلامی را اجرا کند. بنابراین، آرای مردم شرط لازم و نه کافی برای تحقق عینی حکومت است.

امام سجاد علیه السلام با ستایش از فداکاری‌ها و همراهی اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به توصیف نقش مشارکتی و حمایتی آنان در تحقق و استمرار حکومت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پردازد: «(از پیامبران با خشنودی یاد فرما) بار خدایا، به‌ویژه یاران و همراهان محمد؛ آنان که حق مصاحبت را به جای آوردند، و کسانی که در یاری کردن او تلاشی شایسته از خود نشان دادند، و یاور او بودند، و برای رسیدن به حضورش شتاب نمودند، و در پذیرش دعوتش از یکدیگر پیشی جستند و هر کجا که حجت رسالت‌هایش را شنیدند، اجابت کردند و در راه آشکار کردن دعوت او از همسران و فرزندان خویش دوری گزیدند و با پدران و فرزندان خود در راه استقرار نبوتش جنگیدند، و به برکت وجود او پیروز گشتند» (دعای ۴، فراز ۳-۴).

«و ما را مطیع او (امام) قرار ده، و در راه خشنودی او پرتلاش، و در نصرت و دفاع از او یاری‌رسان گردان، تا بدین وسیله، به سوی تو و پیامبرت - که درود تو بر او و آل او باد - تقرب جویم» (دعای ۴۷، فراز ۶۳).

تقرب به خداوند از طریق مشارکت سیاسی در حکومت دینی، نشانه تقدس چنین مشارکتی در نظام سیاسی است. البته لازمه چنین مشارکتی، فراهم شدن زمینه‌های آن توسط حکومت دینی می‌باشد.

### ۳. امنیت سیاسی

برخورداری افراد جامعه از امنیت سیاسی، دیگر ویژگی

#### ۴. عدالت سیاسی

«و حق زبردستان که بر ایشان فرمان‌روایی می‌کنی، آن است که بدانی ایشان از ناتوانی زیر فرمان تو آمدند؛ بر تو واجب است که با آنان به دادگری رفتار کنی» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۶۷).

در نگرش دینی، قدرت تا زمانی مشروعیت دارد که بخوهد و بتواند عدالت را در جامعه اجرا نماید و تلاش کند تا عدل، در جامعه فراگیر شود. همزمان با اجرای عدالت سیاسی در جامعه، به‌طور خودکار، مشروعیت قدرت و اقتدار آن در جامعه افزایش می‌یابد.

#### بخش پنجم: ویژگی‌های نهاد حقوق مطلوب

نهاد حقوق نیز به دلیل نقش تعیین‌کننده‌ای که در ساختار جامعه مطلوب از دیدگاه امام سجاد علیه السلام دارد، از ویژگی‌های خاصی بهره می‌برد که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

##### ۱. عدالت حقوقی

در اینکه عدالت، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های نهاد حقوق در جامعه اسلامی است، هیچ تردیدی نیست. در حقوق از عدالت به مفهوم اجتماعی آن بحث می‌شود؛ به عبارت دیگر، سخن در این است که مردم در روابط اجتماعی خود برای آنکه زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، چگونه باید رفتار کنند.

امام سجاد علیه السلام نیز با توجه به جایگاه مهم و تعیین‌کننده عدالت در رشد و توسعه حقوقی جامعه، عدالت‌محوری را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مطلوب معرفی می‌نماید. *ابی‌مالک* گوید: به امام سجاد علیه السلام عرض کردم: همه دستورات دین را به من بفرمایید. فرمود: «حق‌گویی و قضاوت عادلانه و انجام دادن تعهدات» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۱۲).

دیگر ویژگی مهم جامعه آرمانی توحیدی، برپایی عدالت سیاسی است؛ زیرا هدف اجتماعی بعثت پیامبران، اقامه قسط و حضور عدالت همه‌گیر و همه‌جانبه در میان مردم و ساختن جامعه‌ای بر پایه عدالت بوده است. بیشترین مبارزات پیامبران بر سر اجرای عدالت بوده است و اصول شرایع آنان از آن جهت دچار موانع می‌گشته و با کارشکنی‌های فراوانی روبه‌رو می‌شده که ماهیتی ظلم‌ستیز و دادگرایانه داشته است (میرمدرس، ۱۳۸۰، ص ۲۲۲).

عدالت سیاسی با رفع محدودیت‌های ساختگی، مشارکت آزادانه عموم مردم در عرصه‌های سیاسی را مهیا می‌سازد. همچنین بر مبنای عدالت سیاسی، توزیع قدرت و مناصب سیاسی و میزان مشارکت، بر حسب استحقاق و شایستگی و کارآمدی افراد صورت می‌پذیرد، و هر کس به اندازه قابلیت و توانایی‌اش در امور سیاسی و اجتماعی دخیل می‌گردد، و با نفی خودکامگی، زمینه تحقق توانمندی‌ها و استعداد شهروندان، با توجه به تلاش آنان، فراهم می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۰).

در رویکرد برون‌دینی، عدالت سیاسی باعث افزایش رضایت، احساس مشارکت در امر تصمیم‌گیری‌ها، ازدیاد سرمایه اجتماعی، افزایش انسجام اجتماعی، کاهش از خودبیگانگی و ارتقای اعتماد اجتماعی می‌شود.

آرمان عدالت‌گستری در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام تجلی کامل می‌یابد. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «خدایا به وسیله او (امام زمان) ستم را نابود ساز و عدل را آشکار کن» (دعای ۱۱۹، فراز ۲۶؛ درایتی و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۴۸۰).

این فراز از دعا، تحقق کامل عدالت به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم حکومت دینی را منوط به وجود کارگزاران عادل می‌داند.

نظمی الهی است؛ زیرا امام سجاد علیه السلام منشأ حقوق را در دین مقدس اسلام برخلاف دیگر مکاتب حقوقی، خداوند معرفی می‌کند.

### ۳. جامع و کامل بودن

نظام حقوقی اسلام، در عین آنکه به تنظیم روابط حقوقی پرداخته است، از سایر ابعاد فردی و روحانی نیز غفلت نورزیده و قوانین حقوقی را با نظری جامع نسبت به تمام ابعاد وجودی انسان وضع کرده است.

نظام حقوقی اسلام، علاوه بر برخورداری از ویژگی جامعیت، کامل هم هست؛ یعنی هیچ زمینه‌ای از رفتار اختیاری فردی و اجتماعی انسان‌ها وجود ندارد که اسلام به طور خاص و جزئی و یا به صورت قاعده کلی در مورد آن ساکت بوده و حکم آن را مشخص ننموده باشد، بلکه برای تمام عرصه‌های حیات انسان، برنامه‌ای جامع و تمام برای بشریت ارزانی داشته است. از این رو، در منابع دینی، به حقوق فراوانی برای انسان، بلکه مطلق جانداران و همه موجودات اشاره شده است که در دقیق‌ترین و مترقی‌ترین حقوق‌شناسایی شده مکاتب بشری، همانند آن‌رانی توان یافت. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام به‌تنهایی گویای برتری نظام حقوقی اسلام است؛ رساله‌ای که در آن متجاوز از ۵۰ مورد از صاحبان حقوق (اعم از افراد و اعضا) ذکر شده است. رساله حقوق همه حوزه‌های عمومی و خصوصی را مورد توجه قرار داده است و این از ویژگی‌های منحصر به فرد این رساله حقوق است که به‌منزله یک قانون اساسی مترقی برای اداره جامعه در همه ادوار تاریخ به‌شمار می‌رود. شاید بتوان هفت سرفصل کلی برای رساله حقوق برشمرد که البته به فراخور موضوع به ریزموضوعاتی تقسیم می‌شود:

۱. حقوق و تکالیف حاکم بر رابطه انسان با خدا؛ ۲.

آن حضرت همچنین می‌فرماید: «و گناہانی که مانع آمدن باران می‌گردد، بیدادگری حاکمان است در داوری، و گواهی دادن به دروغ و باطل، و پنهان داشتن شهادت» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷۱).

امام قضاوت عادلانه را یک سوم همه دین معرفی می‌کند؛ زیرا تنها در سایه وجود نظام قضایی عادلانه است که مردم به حکومت دینی و ارزش‌های دینی علاقه‌مند می‌شوند و همین عمل موجب تحکیم اعتقادات دینی مردم در جامعه آرمانی می‌گردد.

### ۲. نظم حقوقی

تجربه به انسان نشان داده که آرمان‌های او، یعنی دستیابی به عدالت در سایه امنیت حاصل نمی‌شود، مگر آنکه نظم و نظامی بر جامعه حاکم باشد. هر جا دولتی برپا شده، قطعاً یکی از اهداف آن، منظم شدن زندگی اجتماعی انسان‌ها بوده است. روی آوردن انسان‌ها به قانون، همان تمایل به برپایی نظم حقوقی است.

فقط در جامعه منظم، جایگاه دولت و مردم و رابطه آنها با هم شناخته می‌شود. هر کس می‌داند که از چه حقوقی بهره‌مند است و چه تکالیفی بر عهده دارد. صاحب حق می‌داند در برابر هر تجاوزی از او دفاع می‌شود و می‌تواند با دادخواهی، از قدرت یاری طلبد. هر متعهدی می‌داند که سرانجام به اجرای تعهد خود مجبور خواهد بود. در این جامعه است که حدود قدرت مشخص شده و روابط قوامین است. مسلماً ایجاد چنین جامعه‌ای نخستین هدف حقوق است (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۴۸۱).

امام سجاد علیه السلام با نوشتن رساله حقوق، زمینه تحقق نظم در عالی‌ترین شکل خود و در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی فراهم نمودند. نظمی که با رعایت حقوق و عمل به قواعد حقوقی این رساله شریف به دست می‌آید



مشترک میان انسان و حیوان، در هدایت میل به خوردن و آشامیدن و هدایت میل جنسی خلاصه شد.

عدالت اقتصادی و رفاه عمومی و تعدیل اقتصادی به عنوان عناصر آن، و نیز امنیت اقتصادی، پیشرفت و استقلال اقتصادی شاخصه‌های نهاد اقتصاد مطلوب را تشکیل دادند.

مشروعیت الهی، مشارکت همگانی برای تحقق بخشیدن به حاکمیت الهی، امنیت سیاسی و امنیت سیاسی نیز شاخصه‌های نهاد سیاست مطلوب در اندیشه امام سجاد علیه السلام بودند.

نهاد حقوق مطلوب در اندیشه امام سجاد علیه السلام نیز از شاخصه‌هایی همچون عدالت حقوقی، نظم حقوقی و جامع و کامل بودن بهره می‌برد.

حقوق و تکالیف ناظر به شخص و شخصیت انسان؛ نظیر زبان، گوش، چشم، نفس و...؛ ۳. تکالیف مترتب بر اجرای احکام الهی؛ نظیر نماز، روزه، حج، زکات و...؛ ۴. حقوق حاکمان و رعایا؛ نظیر حکومت، معلم، متعلم، همسر، کارگر و...؛ ۵. حقوق نزدیکان: پدر و مادر و خویشان و...؛ ۶. حقوق و تکالیف مرتبط به حوزه عمومی و تعاملات بیرونی؛ نظیر پیش‌نماز، همنشین، همسایه، وام‌خواه، شریک، معاشر، خواهان، خوانده، شاکی، متشاکی، ناصح و...؛ ۷. حقوق مالی؛ انضباط مالی، توزیع ثروت، رسیدگی به فقرا، تأمین اجتماعی و... .

### نتیجه‌گیری

در بخش اول این نوشتار، شاخصه‌های نهاد خانواده در دو محور ساختار و کارکردها بررسی شد. تقدس سنت ازدواج، انتخاب آگاهانه، همسان همسری و پذیرش آگاهانه نقش‌ها به عنوان شاخصه‌های ساختار خانواده، و مشروعیت بخشی به فرزندان، تربیت دینی و جلوگیری از انحرافات اجتماعی به عنوان ویژگی‌های کارکردی این نهاد مقدس، به دست آمدند.

در بخش دوم، به بررسی شاخصه‌های نهاد تعلیم و تربیت مطلوب پرداخته شد که تربیت علمی، تربیت عقلانی و تربیت اخلاقی ویژگی‌های این نهاد را شکل می‌دادند. در این بخش همچنین شاخصه‌های تربیت معنوی و اخلاقی براساس روابط انسان «خلیفه الله» با خدا، خود و طبیعت بررسی شد، که معرفت خدا، ایمان کامل و... شاخصه‌های تربیت اخلاقی در خصوص ارتباط انسان با خدا را تشکیل دادند. و ویژگی‌های تربیت اخلاقی صحیفه در خصوص ارتباط انسان با خود در خصوص گرایش‌های مختص انسان، در خودشناسی و پرورش حس فضیلت جویی و در خصوص گرایش

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۵ق، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، نجف، حیدریه.

—، ۱۳۷۰، *مکارم الاخلاق*، چ چهارم، قم، شریف رضی.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۷، *مبانی حقوق عمومی*، تهران، دادگستر.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

لیاقت دار، محمدجواد، ۱۳۸۶، *تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاده علی*، تهران، دفتر نشر معارف.

مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۴، *بحار الانوار*، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۹، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، قم، دارالحدیث.

مشکینی، علی، ۱۳۶۴، *مصباح المنیر*، چ دوم، قم، الهادی.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۸، *جامعه و تاریخ*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

—، ۱۳۸۶، *خودشناسی برای خدانشناسی*، چ سیزدهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی.

میرآخور، عباس و دیگران، ۱۳۷۸، *مقالاتی در اقتصاد اسلامی*، ترجمه حسن گلریز، تهران، مؤسسه بانکداری ایران.

میرمدرس، موسی، ۱۳۸۰، *جامعه برین جستاری در جامعه دینی و جامعه مدنی*، قم، بوستان کتاب.

میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۷۸، *نظام اقتصادی اسلام*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

هادوی تهرانی، مهدی، ۱۳۷۸، *مکتب و نظام اقتصادی اسلام*، چ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد.

هادوی نیا، علی اصغر، ۱۳۸۱، *معنویت و اقتصاد*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

## منابع .....

*صحیفه کامله سجاده*، ۱۳۸۶، ترجمه علی شیروانی، چ ششم، قم، دارالفکر.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

اخترشهر، علی، ۱۳۸۶، *اسلام و توسعه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۱، *عدالت در نظام سیاسی اسلام*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

اصفهانى، ابونعمیم احمدبن عبدالله، ۱۳۸۷ق، *حلیه الاولیا و طبقات الاصفیاء*، چ سوم، بیروت، دارالکتب العربی.

اهوازی، حسین بن سعید، ۱۴۰۲ق، *الزهد*، بی جا، حسینیان.

بستان، حسین، ۱۳۸۵، *اسلام و جامعه شناسی خانواده*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

—، ۱۳۹۰، *خانواده در اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

حاجی ده آبادی، محمدعلی، ۱۳۷۷، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم، دفتر تحقیقات و متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی.

درایتی، مصطفی و دیگران، ۱۳۷۷، *نمایه موضوعی صحیفه سجاده جامعه*، تهران مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۷ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، چ دوم، قم، طلیعه النور.

رشیدپور، مجید، ۱۳۸۸، *عوامل استحکام خانواده*، چ سوم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.

رنجبر، محسن، ۱۳۸۰، *نقش امام سجاده در رهبری شیعه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی.

ساروخانی، باقر، ۱۳۸۰، *جامعه شناسی خانواده*، تهران، سروش.

سبحانی، حسن، ۱۳۷۳، *نظام اقتصادی اسلام*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

صبری، منوچهر، ۱۳۸۱، *جامعه شناسی سیاسی*، تهران، سخن.

صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۲ق، *اقتصادنا*، چ شانزدهم، بیروت، دارالتعارف المطبوعات.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.

—، ۱۴۰۳ق، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین.